

است و یا بازهم این مفاهیم در راستای همان شیوه مدیریت بالا به پایین تفسیر شده است.

روابط بین شهری موازی روابط بین الملل

اما در میان عرصه‌های عمومی مختلف، با توجه به نقش قابل توجه شهرهای بزرگ در اقتصاد کنونی دنیا که در راستای آن، برخی اوقات حتی در عرصه‌های سیاسی به موازات روابط بین الملل، از روابط بین شهری نیز در جهت ایجاد مناسبات نوین قدرت نام برده می‌شود، این شیوه از نوآوری نهادی از جایگاه ممتازتری برخوردار است و به نظر می‌رسد بایستی دستاوردهای آن در زمینه هر نوع نوآوری نهادی در عرصه مدیریت شهری ایران نیز مورد توجه جدی قرار گیرد.

مثالی از حکمرانی

به عنوان ساده‌ترین مثال، در عرصه مدیریت شهری می‌توان به مسئله نظافت عمومی در این دو نگرش مدیریتی اشاره کرد، در نگرش کنونی، جمع‌آوری زباله از سطح شهر و تمیز نمودن سطح خیابان‌ها عموماً متمرکز بر مسائلی نظیر سازماندهی شرکت‌ها و سازمان‌های مرتبط نظافت عمومی، مدیریت منابع انسانی مرتبط با این سازمان‌ها و موارد مشابه دیگر است، اما در شیوه حکمرانی، تمرکز اصلی بر ایجاد سازوکارهایی جهت گسترش نقش آفرینی شهروندان در عرصه سیاست‌گذاری برای نظافت عمومی شهر است.

به عبارت بهتر، در حالت دوم بجای آنکه در قالب یک الگوی سلسله مراتبی بالا به پایین، تنها بازیگران مرتبط با عرصه سیاست‌گذاری در حوزه نظافت عمومی شهر را شهرداری و سازمان‌های مرتبط با آن قلمداد نماییم و به همین جهت، سیاست‌گذاری بهینه را مستلزم سازماندهی بهینه این ساختار بوروکراتیکی که هزینه‌های جاری آن به صورت ناخواسته رو به افزایش است، قلمداد نماییم تمام تلاش‌های خود را معطوف به افزایش مشارکت شهروندان در عرصه سیاست‌گذاری شهری و مدیریت شهری و ایجاد بستری برای نقش آفرینی آنها می‌کنیم. بنابراین، در این نگرش، کاهش هزینه‌های مرتبط با نظافت عمومی نیازمند ایجاد بستری جهت ایجاد حس ذی‌نفع بودن شهروندان در هر تصمیم اتخاذ شده است که این مهم نیازمند آن است رابطه سطح سیاست‌گذاری با سطح مردمی در قالب شبکه‌های اجتماعی مختلف به حداقل برسد و شهروندان یک شهر به نحوی در چگونگی اعمال سیاست‌گذاری و همچنین اجرای آن خود را شریک بدانند و آن را جزئی از داری‌های خود (البته داری ناملموس) تلقی کنند.

توسعه محله‌ای شهرها بجای توسعه منطقه‌ای

البته، درباره مکانیسم‌های اجرای این نوآوری نهادی به‌ویژه در عرصه مدیریت شهری، بحث‌های مفصل دیگری وجود دارد که خود مجال دیگری می‌طلبد اما شاید بتوان توجه به الگوهای توسعه محله‌ای شهرها بجای توسعه منطقه‌ای را به عنوان یکی از مکانیسم‌هایی حائز اهمیتی دانست که می‌تواند سطح آسیب‌ناپذیری، استحکام و ریسک‌پذیری یک جامعه شهری را در برابر نوسانات مختلف بیرونی به شدت افزایش دهد. تفصیل این مهم را به یادداشت‌های دیگری واگذار می‌کنیم.

اجتماعی به جزء لاینفک مدیریت تبدیل شود و از سوی دیگر، خدمات عمومی از شاخه و برگ‌های بیشتری برخوردار شود که پوشش دادن آنها نیازمند افزایش بار تکفل دولت‌ها خواهد بود.

حکمرانی وجه تمایز مدیر موفق و ناموفق

اصولاً برخلاف آنچه مدیران در کشور ما تصور می‌کنند، وجه تمایز مدیریت، فکر کردن در خصوص چگونگی بهره‌مندی بیشتر از کیک نفتی و متعاقب آن ایجاد تغییرات در زیرمجموعه مدیریتی نیست، بلکه وجه تمایز مدیر موفق با مدیران ناموفق توانایی تغییر مسیر سیاست‌گذاری با اعمال انواع نوآوری‌های نهادی در جهت تغییر رویکردهای موجود سیاست‌گذاری است تا بتواند از یک سو، اثربخشی و کارایی یک مجموعه را با همان منابع مالی موجود بهبود بخشد و از سوی دیگر زمینه خلق ثروت‌های جدیدی را فراهم آورد. در این راستا طی سالیان اخیر، در عرصه بین‌المللی مفهومی تحت عنوان حکمرانی به عنوان یکی از همین تغییرات نهادی که متأسفانه در کشور ما با مفهوم کلی اداره امور عمومی جامعه یکسان انگاشته شده است مورد توجه جدی است که بر اساس آن، چگونگی سیاست‌گذاری در قالب انواع شبکه‌های متشکل از بازیگران دولتی و غیردولتی (توجه نمایم سیاست‌گذاری و نه اجرا) حائز اهمیت است.

به عبارت بهتر، از میانه دوم قرن بیستم و به‌ویژه پس از گسترده‌تر شدن نقش کالاهای غیر خصوصی در تولید ثروت و رفاه اجتماعی و ناکارآمدی دولت‌ها در تأمین مناسب آنها در برخی از کشورهای پیشرو و همچنین به جهت اهمیت یافتن عنصر پیچیدگی در فعالیت‌های انسانی، به تدریج مشخص شد که کشف ترجیحات متعدد و ناهمگن کنشگران اقتصادی- اجتماعی و همچنین نحوه پردازش و استفاده آنها از اطلاعات برای سیاست‌گذاران دولتی در سطح کلان ناممکن است و به همین جهت، اعمال قواعد کلان و یکسانی که بتواند به بهترین شکل ممکن، تعارضات منافع موجود در محیط‌های انسانی را مدیریت نماید امکان‌پذیر نیست.

حکمرانی چیست؟

بر همین اساس، حکمرانی به شیوه نوینی از مدیریت سیاسی و اجتماعی جوامع اشاره دارد که در آن بیش از آنکه بر کار ویژه‌های خاص مدیریت بالا به پایین دولتی سابق تأکید شود، سعی می‌شود با تأکید بر عنصری به نام تکثر در اعمال قدرت اشکال مختلف رابطه حکومت با شهروندان بجای یک رابطه بوروکراتیک سلسله مراتبی (بالا به پایین) در قالب انواع روابط متقابل و شبکه‌ای ایجاد شود. به عبارت بهتر، در حالی که در الگوهای سنتی، بر اساس یک تصور مکانیکی فرض می‌گردید منشأ تولید قدرت، تنها دولت است و جامعه نیز همانند یک شی فنی می‌تواند در قالب مجموعه‌ای از فرایندها تنظیم شود، در رویکرد موسوم به حکمرانی، قدرت در ساختاری پیچیده و شبکه‌ای، برآمده از انواع ارتباطات عمودی و افقی میان شهروندان، دولت‌های ملی، اتحادیه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، شرکت‌ها و سازمان‌ها شکل می‌گیرد. به همین جهت، مفاهیمی نظیر بهبود ساختار انگیزشی، مقررات گذاری شبکه‌ها، بهبود الگوهای مذاکره، هماهنگی و همکاری به محور مباحث سیاست‌گذاری دولت‌ها در عرصه‌های مختلف بهداشت، مدیریت شهری، امنیت، محیط‌زیست و حوزه‌های عمومی دیگر تبدیل شده است که متأسفانه در عرصه مدیریتی کشور ما یا به آنها توجه نشده

حکمرانی به شیوه نوینی از مدیریت سیاسی و اجتماعی جوامع اشاره دارد که در آن بیش از آنکه بر کار ویژه‌های خاص مدیریت بالا به پایین دولتی سابق تأکید شود، سعی می‌شود با تأکید بر عنصری به نام تکثر در اعمال قدرت اشکال مختلف رابطه حکومت با شهروندان در قالب انواع روابط متقابل و شبکه‌ای ایجاد شود، تأکید می‌شود